جام جم
سینما
CINEMA
۵
پنجشنبه ۲۶ شهریور ۱۴۰۵ شماره ۷۴۱۹

انتشار فراخوان دومین رقابت عکاسی «از قاب تا روایت»

برای دومین سال پیاپی علاقه‌مندان به حضور در بخش «از قاب تا روایت» بیستمین جشنواره بین‌المللی فیلم مستند ایران «سینماحقیقت» می‌توانند در این رویداد شرکت کنند. به گزارش جام‌جم و به نقل از روابط عمومی مرکز گسترش سینمای مستند، تجربی و پویانمایی، در مقدمه فراخوان آمده است: دبیرخانه جشنواره بین‌المللی فیلم مستند ایران سینما حقیقت در بیستمین دوره برگزاری، میزبان دومین رقابت عکس‌محور پیرامون «نگاه مستند» عکاسان است؛ بخشی ویژه در سینماحقیقت که آرمانش کشف لایه‌های عمیق پیوند مستعد میان نگاه عکاسانه و روایت‌سازی مستند است. این بستر از عکاسان مستند، سینماگران و مستندسازان و فعالان حوزه مستندنگاری دعوت می‌کند با عکس‌های مرتبط، متمرکز و هدفمند (Sequence) آثاری را ارائه کنند که فراتر از نمایش مستند، از ظرفیت روایی و قابلیت روایتگری برخوردارند. تمرکز برگزارکننده در این بخش بر تعداد عکس‌هایی است که تجربه عکاس را به ابزاری برای اندیشیدن و روایتگری در سینمای مستند تبدیل می‌کنند و امکان گفت‌وگوی تازه‌ای میان دو جهان مستقل «عکاسی و سینما» می‌گشایند. بیستمین جشنواره بین‌المللی فیلم مستند ایران سینماحقیقت با دبیری محمد حمیدی مقدم آذرماه ۱۴۰۵ برگزار می‌شود.





جوانان؛ سرمایه سینمای انقلاب

مدیر باشگاه فیلم سوره: فیلمسازان جوان امروز، متنوع می‌بینند و خودشان را در معرض رقابت‌های جدی قرار می‌دهند



نسرین بختیاری
گروه فرهنگ و هنر

سینمای ایران برای ادامه مسیر، بیش از هرچیز به کشف و پرورش فیلمسازان جوان نیاز دارد؛ نسلی که با دسترسی گسترده به فناوری، تصویر و محتوای جهانی، هم فرصت‌های بیشتری برای تجربه و هم رقابت دشوارتری پیش‌رو دارد. باشگاه فیلم سوره طی بیش از یک دهه فعالیت تلاش کرده این مسیر را از فیلم کوتاه تا فیلم بلند برای بخشی از این استعدادها هموار کند؛ از فیلمسازانی که با ساخت چند اثر کوتاه، امکان تجربه و رشد پیدا کرده‌اند تا رسیدن به آثاری مانند «۲۱ روز بعد»، «تاکسیدرمی»، «مصلحت» و «باغ کیانوش». حامد یامین‌پور، مدیر باشگاه فیلم سوره و عضو هیأت انتخاب جشنواره فیلم ۱۰۰ که اکنون درحال برگزاری است، در گفت‌وگو با «جام‌جم» از معیارهای باشگاه و اعضای هیأت انتخاب جشنواره ۱۰۰ برای شناسایی استعدادها، ضرورت حمایت مستمر از فیلمسازان جوان و دشواری عبور از فیلم کوتاه به سینمای بلند می‌گوید. او معتقد است سرمایه اصلی سینمای ایران، نیروی انسانی است و اگر مسیر تربیت و حمایت از نسل تازه جدی گرفته نشود، سینما به‌تدریج بخشی از سرمایه خود را از دست می‌دهد. یامین‌پور همچنین از تلاش باشگاه برای تجربه قالب‌های تازه مانند میکرودراما و وب‌سری و تولید آثاری درباره جنگ رمضان صحبت می‌کند که قرار نیست پاسخ مناسبی باشند بلکه با وسواس و دغدغه‌های هنری ساخته می‌شوند.

باشگاه فیلم سوره چه تعریفی از جوانان مستعد دارد و هنگام انتخاب یک فیلمساز جوان دنبال چه ویژگی‌هایی می‌گردد؟

ما در جذب فیلمساز، یک آیین‌نامه نانوشته داریم که صرفا علاقه‌مندان به سینما و کارگردانی را جذب نمی‌کنیم. یعنی صرفا کسی را که بگوید «من دوست دارم فیلمساز شوم» یا «می‌خواهم کارگردانی کنم»، جذب نمی‌کنیم. امروز در شرایطی هستیم که هر فردی می‌تواند با یک گوشی موبایل، یا با قرض‌گرفتن یک دوربین از دوستش، حتی یک قصه دوسه‌دقیقه‌ای را در پارک، خانه یا لوکیشن‌های ساده روایت کند. بنابراین دیگر کسی نمی‌تواند بگوید «من تاکنون فیلم نساخته‌ام و چیزی ندارم که به شما نشان بدهم تا ببینید چه‌نوع فیلمی می‌توانم بسازم یا چگونه قصه روایت کنم اما شما از من حمایت کنید.» از نظر ما، جوان مستعد کسی است که دوربین را به‌دست گرفته و بخشی از این مسیر را آغاز کرده باشد. در همان شروع مسیر و در اثر کوچکی که جوان می‌سازد، می‌توان دید چه میزان استعداد و توانایی دارد.

بسیاری از فیلمسازان جوان بعد از ساخت یکی دو فیلم کوتاه، در ادامه مسیر رها می‌شوند. مدل باشگاه برای این‌که یک استعداد را از همان مرحله فیلم کوتاه تا فیلم بلند همراهی کند، چگونه طراحی شده است؟

باشگاه فیلم سوره برای حل همین مساله شکل گرفته است؛ این‌که فیلمسازان جوانی که فیلم کوتاه می‌سازند، پس از ساخت یک یا دو اثر، رها نشوند. سابقه فعالیت ۱۲، ۱۳ ساله باشگاه فیلم سوره و فیلمسازانی که با باشگاه همکاری کرده‌اند، نشان می‌دهد بسیاری از افرادی که امروز از فیلمسازان باسابقه باشگاه هستند، کار خود را با ساخت یک، دو، سه و حتی چهار اثر آغاز کرده‌اند و به‌تدریج مسیرشان را تا ساخت سریال یا فیلم سینمایی ادامه داده‌اند. به‌نظرم امروز بیش از آن‌که بخواهیم این ادعا را صرفا در قالب یک حرف یا نوشته روی کاغذ بپذیریم، می‌توانیم نمونه‌های آن را در واقعیت و در کارنامه فیلمسازان ببینیم. برای مثال، آقایان خردمندان، دارابی، پایدار، کشاورز، زهتابچیان و ربیعی، همگی بخشی از مسیر فیلم کوتاه خود را در باشگاه طی کرده‌اند. به‌جز آقای ربیعی، سایر افرادی که نام بردم، مسیر خود را در باشگاه فیلم سوره تا ساخت آثار بلند و فیلم سینمایی ادامه داده‌اند.

در کارنامه باشگاه، آثاری مانند «۲۱ روز بعد»، «تاکسیدرمی»، «مصلحت»، «دیدن این فیلم جرم است» و «باغ کیانوش» دیده می‌شود. چه نسبتی میان تجربه فیلم کوتاه فیلمسازان و موفقیت‌شان در ساخت فیلم بلند وجود داشته است؟

در معرفی آثاری که به‌عنوان فیلم سینمایی از باشگاه شناخته می‌شوند، تنوع و گوناگونی آثار خواسته ماست. ما به‌طور کامل درک می‌کنیم که فیلمسازان ذائقه‌های متفاوتی دارند و تلاش می‌کنیم علاقه آنها به ژانر یا گونه‌ای از سینما را که مطلوب‌شان است، محترم بشماریم و در تحقق آن تسهیل‌گر باشیم. نه این‌که به‌عنوان سفارش‌دهنده، موضوعی را که برای‌مان اهمیت دارد به آنها سفارش دهیم و بخواهیم فیلمساز براساس آن فیلم بسازد. در مجموع، همه این آثار در فضای سینمای سالم و سینمای انقلاب تعریف می‌شوند اما هر کدام رنگ‌وبو و ویژگی‌های خاص خود را دارند. برای مثال «۲۱ روز بعد» اثری نوجوانانه است، «تاکسیدرمی» به تاریخ معاصر می‌پردازد، «مصلحت» رویکردی سیاسی دارد، «دیدن این فیلم جرم است» نیز اثری سیاسی است و «باغ کیانوش» در حوزه سینمای نوجوان قرار می‌گیرد. بنابراین، این آثار براساس سلیقه و ذائقه فیلمسازان، تنوع قابل توجهی دارند. ما تلاش کرده‌ایم این تفاوت سلیقه‌ها را محترم بشماریم و البته فیلمسازانی که این آثار را ساخته‌اند، علاقه و توانایی خود را در ساخت چنین فیلم‌هایی نشان داده بودند.

جنگ رمضان و شهادت رهبر معظم انقلاب، موضوعی است که با توجه به دلبستگی فیلمسازان باشگاه فیلم سوره به انقلاب اسلامی و خاستگاه فعالیت این فیلمسازان در حوزه هنری، به‌صورت طبیعی دنبال می‌شود



چرا با وجود حجم بالای تولید فیلم کوتاه در ایران، تعداد کمی از فیلمسازان کوتاه می‌توانند به سینمای بلند راه پیدا کنند؟ مشکل را بیشتر در ساختار سینما می‌بینید یا در نظام تربیت و حمایت از فیلمساز؟

فیلم کوتاه ساختن، با وجود هزینه‌بر بودن، در مقایسه با ساخت فیلم بلند سینمایی هزینه کمتری دارد. ساخت فیلم بلند پیش از این هم گران بود اما در شرایط فعلی هزینه تولید آن بسیار افزایش یافته است. البته پیشتر نیز نسبت هزینه‌ها به همین شکل بود اما با تدابیری امکان این وجود داشت که این مسأله را مدیریت کنیم و فیلم بلند بسازیم. امروز این کار دشوارتر شده است. بخشی از فاصله ایجادشده میان فیلمسازی کوتاه و رسیدن به مرحله ساخت فیلم بلند سینمایی، به میزان ریسک‌پذیری تهیه‌کنندگانی برمی‌گردد که می‌توانند از این فضا حمایت کنند. این کار دشواری است. البته تهیه‌کنندگانی مانند آقایان ملکان و سعدی هم بوده‌اند که با موفقیت از آثار اول فیلمسازان حمایت کرده‌اند و اتفاقات خوبی نیز برای‌شان رقم خورده است. این کار همت و زمان می‌خواهد. تهیه‌کنندگان به‌طور معمول به‌دلیل مشغله زیاد و فشار ناشی از پروژه‌های مختلف، فرصت و انرژی کافی ندارند که به سراغ استعدادهای جوان بروند، آثارشان را ببینند و آنها را کشف کنند. به همین دلیل فاصله ایجاد می‌شود. برای مثال، چه تعداد از تهیه‌کنندگان معتبر ما به تماشای فیلم‌های جشنواره فیلم کوتاه می‌آیند؟ به‌هرحال، این مساله می‌تواند یکی از چالش‌های اصلی در مسیر کشف استعدادها و رسیدن فیلمسازان جوان از فیلم کوتاه به سینمای بلند باشد.

نسل جدید فیلمسازان چه تفاوتی با نسل‌های قبلی دارد و این تفاوت چقدر در انتخاب سوژه، زبان روایت و فرم فیلم‌های کوتاه دیده می‌شود؟

به‌هرحال، نسل جدید در دورانی زندگی می‌کند که فناوری‌های تصویری در دسترس همه قرار گرفته است. بسیاری از افراد دوربین‌های باکیفیتی در اختیار دارند. بعضی از آنها فعالیت‌های بلاگری انجام می‌دهند و نرم‌افزارهای تدوین و امکانات مرتبط با تولید محتوا نیز بسیار گسترده و در دسترس شده‌اند. از سوی دیگر، دسترسی به محتوای خارجی و متنوع نیز آسان‌تر شده است. بنابراین رقابت برای این نسل دشوار است اما به‌نظرم فیلمسازانی که امروز مشغول فعالیت هستند، به‌اندازه کافی از دشواری کار خود آگاهی دارند و متناسب با آن تلاش می‌کنند.

فیلمسازانی که امروز در حال ساخت اثر هستند، متعلق به همان نسلی هستند که این ویژگی‌ها را دارد. آنها، هم آثار خوب و متنوع می‌بینند و هم خودشان را در معرض رقابت‌های جدی قرار می‌دهند. همین امروز یکی از فیلمسازان ما متن یک فیلم سینمایی را برای من می‌فرستد تا بخوانم و درکنار آن، چهار پنج فیلم سینمایی مهم و جدی را پیشنهاد می‌دهد و می‌گوید می‌خواهم این فیلم را با این شیوه اجرا کنم. این اتفاق ارزشمندی است. یعنی او خودش را در افقی بلند از نظر توانایی‌های تکنیکی، فنی و فرمی می‌بیند و خود را در یک رقابت جدی قرار می‌دهد. چنین نگاهی باعث می‌شود تلاش بیشتری کند تا به آن سطح از توانایی، قدرت اجرایی و مهارت در قصه‌گویی برسد.

آیا باشگاه در انتخاب فیلمسازان جوان، به این نکته هم توجه می‌کند که آنها بتوانند با مخاطب امروز و تغییرات ناشی از شبکه‌های اجتماعی و پلتفرم‌ها ارتباط برقرار کنند؟

همان‌گونه که گفتم، درباره بچه‌هایی که اکنون با ما کار می‌کنند، این پیش‌فرض وجود دارد که باید بتوانند متاثر از شرایط متفاوت مصرف محتوا در دنیای امروز، خودشان را ارتقا دهند. تلاش‌هایی نیز در این زمینه درحال انجام است. ما سعی می‌کنیم نسبت به قالب‌های جدید، مانند میکرودراما، وب‌سری و قالب‌های مشابه بی‌تفاوت نباشیم و در حال طراحی پروژه‌هایی در این حوزه‌ها نیز هستیم. البته نمی‌توان گفت این مسیر راحت است. راه پرپیچ‌وخمی پیش‌روی ما قرار دارد اما خوشحالیم که چون با رفقای جوان کار می‌کنیم، انجام کارهای جدید برای ما راحت‌تر است. ان‌شاءالله بتوانیم در این مسیر، تجربه‌های تازه‌ای داشته باشیم و خودمان را با تغییرات حوزه تولید و مصرف محتوا هماهنگ کنیم.

از ابتدای سال ۱۴۰۵، باشگاه هفت فیلم کوتاه، هشت تیزر داستانی و دو تیزر نماهنگ با محوریت جنگ رمضان و تشییع رهبر تولید کرده است. چه شد که امسال این حجم تولید شکل گرفت و چه ضرورتی پشت این تولیدات وجود داشت؟

جنگ رمضان و شهادت رهبر معظم انقلاب، موضوعی است که با توجه به دلبستگی فیلمسازان باشگاه فیلم سوره به انقلاب اسلامی و خاستگاه فعالیت این فیلمسازان در حوزه هنری، به‌صورت طبیعی دنبال می‌شود. فیلمسازان ما نیز نسبت به این اتفاق احساس مسئولیت می‌کنند. حوزه هنری به‌تعبیر رهبر شهید انقلاب، مرکز هنر انقلاب است و بچه‌های ما نیز نسبت به چنین موضوعاتی احساس و دغدغه دارند و خودشان را مکلف می‌دانستند واکنشی به این اتفاق نشان دهند. با وجود این‌که روزهای شهادت رهبر انقلاب، بسیار سخت، تلخ و عجیب و غریب بود، بچه‌های ما احساس کردند می‌توانند با ساخت آثار داستانی، بخشی از آن اتفاقات را روایت کنند. شاید در گنجینه ارزشمندی که از آثار مختلف درباره این دوره شکل خواهد گرفت، این آثار نیز در کنار آثار دیگر فیلمسازان قرار گیرند و بخشی از تصویر ماندگاری را که در آینده از آن اتفاقات به جا خواهد ماند، شکل دهند. ماودوستان‌مان هم خوشحالیم که بتوانیم سهم کوچکی در ثبت و روایت این اتفاق داشته باشیم.

متن کامل را در جام جم آنلاین بخوانید

یادداشت

دکتر محمدهادی فلاح‌زاده | رئیس دانشگاه بین‌المللی ادیان و مذاهب

رمزگشایی از راهبردهای کلان فرهنگی-سیاسی امروز ما

برای واکاوی بحث، ابتدا با عبور از یک تقلیل‌گرایی رایج که پیوند امام راحل و رهبر شهید را دلبستگی عاطفی شاگرد به استاد یا تکیه‌گاه مشروعیت‌ساز سیاسی می‌داند درمی‌یابیم در منظومه فکری رهبری شهید، نسبت با امام خمینی(ره) یک نسبت تاریخی-شخصی نیست بلکه یک تداوم ارگانیک و پارادایمی است. به تعبیر دقیق‌تر، ایشان امام را نه صرفا به‌عنوان یک معلم آموخته‌شده بلکه به مثابه منبع معرفتی و روش استنتاج برای مواجهه با مسائل مستحدثه می‌نگرند. این انطباق، در لایه‌های زیرین فکری و به‌ویژه در حوزه رهبری فرهنگی ریشه دوانده است. در تحلیل‌های دانشگاهی وقتی از انطباق فکری سخن می‌گوییم، منظور کپی‌برداری از فتاوا یا تکرار شعارها نیست بلکه به‌معنای وحدت در پیش‌فرض‌های بنیادین هستی‌شناختی و انسان‌شناختی است.

در بیانات ایشان این نکته کاملا مشهود است که رهبری شهید هنگام استناد به امام، هرگز دنبال توجیه یک تصمیم از پیش گرفته‌شده نیستند بلکه امام را منبع ثقل فکری و قطب‌نمای استنباط می‌دانند. ایشان معتقدند امام خمینی(ره) یک روش‌شناسی به نام اسلام ناب محمدی و فقه پویا را بنیان نهاد. بنابراین ارجاع مکرر به امام در واقع ارجاع به آن روش‌شناسی حل مسأله است. این انطباق عملی، به ایشان این جسارت فکری را داده است که در مواجهه با پدیده‌های نوظهور مانند اینترنت، هنر مدرن، یا تحولات ژئوپلیتیک بدون آن‌که از خط امام خارج شوند، اجتهاد در حرکت داشته باشند.

اینجاست که باید به نکته کلیدی رهبری فرهنگی به‌عنوان ستون فقرات این انطباق بپردازیم. بزرگ‌ترین دستاورد امام خمینی(ره) پیش از آن‌که یک دولت تأسیس کند یا یک ارتش بسازد چه بود؟ امام یک انقلاب فرهنگی در ذهن و قلب ایرانیان و جهان ایجاد کرد. او سوژه انقلابی را ساخت و روح «ما می‌توانیم» را در کالبد یک جامعه مأیوس دمید.

از این منظر، تمام ارجاعات رهبر شهید به امام، در حقیقت یک کنش فرهنگی راهبردی است. ایشان به‌خوبی می‌دانند که اگر حافظه تاریخی و گفتمان فرهنگی امام در جامعه کمرنگ شود، آن سوژه انقلابی فرو می‌ریزد و ما با یک بحران هویت مواجه خواهیم شد. بنابراین زنده نگه‌داشتن نام و یاد امام، از منظر ایشان یک ضرورت صرفا سیاسی نیست بلکه حیاتی‌ترین پروژه فرهنگی برای حفظ روح تمدن‌ساز انقلاب است. تمام تصمیمات سیاسی سخت ایشان، در سایه همین محافظت از هسته فرهنگی امام معنا پیدا می‌کند.

به‌عنوان یک مشاهده‌گر نزدیک در محافل فرهنگی باید به یک ظرافت کمتر دیده‌شده یعنی نحوه بازخوانی فرهنگی ایشان از شخصیت امام اشاره کنم. در بسیاری از دیدارهای ادبی و هنری، وقتی رهبر شهید یا امام شهید انقلاب از امام سخن می‌گویند، صرفا به جنبه‌های فقهی یا سیاسی ایشان نمی‌پردازند بلکه عمدا بر ظرافت‌های هنری، اشعار دوران جوانی و درک عمیق امام از لطایف روحی جوانان تاکید می‌کنند.

به یاد دارم در جلساتی که بعضا درباره فرسایش یا افول انگیزه‌های انقلابی در برخی آثار هنری بحث می‌شد، ایشان به‌جای یک رویکرد سلبی و دستوری، از ذوق لطیف امام و نگاه زیبایی‌شناختی ایشان به مقوله عشق و معنویت یاد می‌کردند. این روایتگری نشان می‌دهد ایشان می‌کوشند چهره امام را از یک شخصیت صرفا خشک سیاسی به یک الگوی جامع فرهنگی و سبک زندگی ارتقا دهند. این دقیقا همان هنر رهبری فرهنگی است. یعنی ترجمه یک میراث بزرگ به زبان هنر، ادبیات و سبک زندگی روز جامعه.

پس باید با قاطعیت باور داشت که این رابطه فراتر از یک دلبستگی شخصی شاگرد به استاد است. ما با یک انطباق کامل معرفتی، گفتمانی و عملی روبه‌رو هستیم. رهبر شهید، خودشان را ادامه همان روح واحد در یک بستر تاریخی جدید می‌دانند اما اگر بخواهیم عصاره این انطباق را برای نسل جوان و نخبگانی تبیین کنیم، باید بگوییم مدل رهبری ایشان، مدیریت بر مدار امام نیست بلکه تولید مجدد فهم امام در هر عصر است. ایشان به نسل جوان می‌آموزند امام خمینی(ره) یک پدیده موزه‌ای متعلق به دهه ۴۰ و ۵۰ نیست بلکه یک منبع جوشان فرهنگی است که هنوز برای حل بحران‌های هویتی، سبک زندگی و تمدنی انسان معاصر حرف نو دارد. درک این انطباق فکری، کلید رمزگشایی از تمام استراتژی‌های فرهنگی و سیاسی امروز نظام است.

نازا؛ واقعیت‌های یک کشتار دسته‌جمعی

کیکاوس زیاری
گروه فرهنگ و هنر

سازندگان اسرائیلی‌تبار مستند تکان‌دهنده و ضدصهیونیستی «نازا» می‌گویند نظامیان اسرائیلی هنگام بمباران خانه‌های مردم غزه دقیقا می‌دانند که اهالی شهر و به‌ویژه کودکان در داخل این خانه‌ها هستند و بااین حال، دست به بمباران و نابودی و تخریب آنها می‌زنند. نازا که با صحنه‌های دلخراش و مستندگونه خود جایزه ویژه هیأت داوران جشنواره بین‌المللی فیلم ونیز را از آن خود کرد، زمان نمایش در جشنواره با تشویق غیرمنتظره و استثنایی ۲۵ دقیقه‌ای تماشاگران و منتقدان روبه‌رو شد. به گفته اهل فن، چنین استقبالی از یک فیلم سینمایی در جشنواره‌های بین‌المللی حکم یک استثنا را دارد و نشان می‌دهد جامعه جهانی همچنان نسبت به موضوع فلسطین و جنایات نظامیان و ارتش اسرائیل در غزه حساس است و به محکومیت جنایات ارتش متجاوز اسرائیل می‌پردازد.

همراهی با کشته‌شدگان غیرنظامی

نازا را جاناتان گریزر، برنامه‌ساز سرشناس انگلیسی با کمک نشریه گاردین تهیه کرده و دو کارگردان آن یووال آبراهام و ریچل سور هستند که به احتمال بسیار زیاد تابعیت آنها به دنبال اکران عمومی این فیلم لغو خواهد شد. مستند نازا به بررسی یک سامانه مبتنی بر هوش‌مصنوعی می‌پردازد که ارتش اسرائیل از آن برای انجام حملات در غزه استفاده کرده و می‌کند. نام فیلم مخفف اصطلاحی است که ارتش اسرائیل برای اشاره به تعداد غیرنظامیانی که در جریان حملات هوایی هواپیماهای اسرائیلی کشته می‌شوند، به کار گرفته می‌شود. منتقدان سینمایی به این نکته اشاره می‌کنند که سور و آبراهام قبل از این با همراهی و کمک دو فیلمساز فلسطینی (حمدان بلال و باسیل آدرا) مستند افشاگرانه «سرزمینی نیست» را کارگردانی کرده‌اند که سال ۲۰۲۴ توانست جایزه اسکار بهترین فیلم مستند را از آن خود کند. در همان زمان هم دولتمردان اسرائیلی این دو فیلمساز را تهدید به اخراج از اسرائیل و لغو تابعیت آنها کردند. دومین نمایش گسترده عمومی نازا اواخر ماه سپتامبر و در جریان برگزاری جشنواره بین‌المللی فیلم نیویورک خواهد بود. خط اصلی داستان مستند ۸۰ دقیقه‌ای در ارتباط با کشتار جمعی اهالی غزه توسط نیروهای نظامی اسرائیل است که شامل صحنه‌های مستند از قتل عام‌ها، مصاحبه با برخی از اعضای ارتش اسرائیل-که نام و چهره‌شان مخفی مانده است- و صحبت با گروهی از تحلیلگران مسائل سیاسی و ماموران امنیتی می‌شود. در این مستند همچنین از اخبار و گزارش‌های نشریه گاردین که اختصاص به جنگ غزه داشته استفاده شده است. نازا با تلاش برای بررسی همه‌جانبه کشتار جمعی اهالی غزه، چنین نتیجه‌گیری می‌کند که ماموران رسمی دولتی در این قتل‌ها دست داشته و سعی می‌کند نقش آنها در این کشتار را آشکار کند.

تاریک و سیاه مثل خود واقعیت

آبراهام می‌گوید: «مستند ما درباره جنبش مقاومت در کرانه غربی رود اردن و این منطقه تحت اشغال اسرائیل بود و جنایات هولناکی را ثبت کرد اما در همان حال به مردم و تماشاگرانی که آن را نگاه می‌کردند، نقطه‌ای از امید هم به همراه داشت. نمی‌خواهم بگویم که آنها را خیلی امیدوار می‌کرد اما نمی‌گذاشت از آینده خیلی ناامید باشند. بنابراین اصلا اتفاقی نیست که مستند تازه ما، بسیار سیاه است.

متن کامل را در جام جم آنلاین بخوانید